

اگر هرگز فردایی نمی بود

اگر هرگز فردایی نمی بود
من تا به ابد بدامان تومی بودم
من تا ابد خوبی های جهان را
برای زیبایش تومی ربودم
در عقب پرده خیانت و جفا
آتش شب شوم و سیاهی بود
در کوچه هاویس کوچه هایت در ظلمت
و سوسه زاهریمن تباهی بود
آن شب طلسم آرامشت را
شیاطین فتنه گریه غوغا فروختند
سکوت رخت بست ز شهر هایت
میهن زیبایم ترا به مشتی دغا فروختند
ز آتش تالین شب سالها می گذرد
هر شب به شعله خیانت نوی میسوزی
در همه ادیت تو پرورده گان دامانت
میکوشند و میگریی به این سیه روزی
آه اگر هرگز فردایی نمی بود
ما تا ابد بدامان تومی بودیم
ما تا ابد خوبی های جهان را
برای زیبایش تومی ربودیم
لیک افسوس فردایی غم زره رسید
لشگر طاغوتیان دامنت سیاه کرد
به خنجر دغا زدند قلب نازنینت
میهنم ترا از دهایی صد سر تباه کرد

سوما کاویانی